

مردی برجامه شیشه مسجد

نیایش بشر:

اگرچه بشر از روزگارانی بس دور برای رهایی از غوغای جهان مادی و دل‌مشغولی‌های آن گهگاهی چند در فرصت مناسب گوشه خلوتی می‌جسته است و برای دست‌یافتن به ارتباط قلبی و پیوند روحانی با عالم معنوی و جهان ماوراءالطبیعه و یا راز و نیاز با معبود خویش و عبادت و پرستش خدای جهانیان و به آرامش و سکوت غاری پناه می‌برده است و از این طریق صفای باطن و تعالی روح و آرامش درون را می‌طلبیده است و نجات و رهایی از دغدغه همیشگی «در اینجا بودن» را آرزو می‌کرده است، بعدها که اولین جویبارهای تمدن بشری از سرچشمه نخستین تاریخ، جریان یافته است پرستشگاهی ساخته است و معبدی معماری کرده است و امروز تاریخ تمدن‌ها نشان می‌دهد که پیروان ادیان (الهی و غیرالهی) خدای خویش را در جایگاهی خاص به نام معبد پرستش می‌کرده و می‌کنند. قرآن کریم، خانه کعبه را اولین بنائی، که به منظور عبادت خدا برای مردم وضع گردیده است، معرفی می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هَدًى لِلْعَالَمِينَ . — آل عمران، آیه ۹۶».

مسجد را در لغت به معنی سجده‌گاه گفته‌اند و آن مکانی است که مسلمانان به عبادت و راز و نیاز پروردگار خویش می‌پردازند. در تعالیم پیامبر اکرم (ص) عبادت خدا منحصر در مسجد نیست. به‌خصوص صدر اسلام چنین بوده است. بلکه مسلمین در هر جای دیگری نیز می‌توانند به ادای فریضة دینی بپردازند و مسجد هرگز تنها عبادتگاه مسلمانان نبوده است. «گزارشهایی درباره نخستین مسجد نشان می‌دهد که این محل خصوصیت یک مکان مقدس را نداشت، در

آن هیچ‌گونه اشیاء پیشکشی آئینی، دیده نمی‌شد. مؤمنان و غیرمؤمنان آزادانه در مسجد رفت و آمد می‌کردند، خیمه‌ها برافراشته می‌شد، مباحثه‌ها در می‌گرفت و ماجراها آرام می‌شد.^۲ شاید تصور عموم مردم، حتی خود مسلمین این باشد که پیروان هر دینی و آئینی معبدی و پرستشگاهی برای خود می‌سازند و در آن به انجام عبادت و نیایش دینی می‌پردازند و مسجد نیز معبد مسلمین است. ولی چنین تصویری دور از واقع می‌باشد.

مسجد در زمان پیامبر(ص):

این سنت از پیامبر اسلام(ص) به یادگار است که در مسجد مردم را مخاطب می‌ساخت و پیرامون مسایل و مشکلات مسلمین در زمینه‌های مختلف بحث می‌کرد و آنها را هدایت و ارشاد می‌فرمود و مسجد در واقع ستاد فرماندهی، مقر حکومت، اجلاس عمومی سران، مجلس مشاوره — و جایی که همه امور سیاسی و اجتماعی و مذهبی در آن رتق و فتق می‌شد و دین و دنیای مردم رهبری می‌گردید — به حساب می‌آمد. اولین مسجد پس از هجرت پیامبر اکرم(ص) که خود آن حضرت سنگ بنای آن را گذاشت در محلی بنام «قبا» بنا شد.^۳ کیفیت ساختمان این مسجد روشن نیست. پس از چند روز که آن حضرت به مدینه می‌روند، در آنجا مسجدی به وسیله پیامبر، مهاجرین و انصار در فضایی مربعی شکل با اضلاعی در حدود هفت متر با خشت و سنگ ساخته می‌شود. «مسجد النبی» یا مسجد مدینه بنا به قضای الهی انتخاب گردید. شتر آن حضرت در زمینی که متعلق به دو کودک یتیم بود فرود آمد. مسجد مدینه فضایی بود با کارکردهای متعدد که علاوه بر انجام فرایض دینی و پرداختن به مسایل سیاسی اجتماعی و آموزشی، برای تجمع در مواقع خاص مثل جنگ و صلح هم مورد استفاده قرار می‌گرفت، پیامبر خدا(ص) عادت داشت که پس از بازگشت از هر سفر، نخست به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند و با کسانی که به آنجا می‌آمدند به گفتگو و حل مشکلات می‌پرداخت.^۴

درباره مسجد مدینه استاد شهید مرحوم آیه‌ا... مطهری می‌نویسد: «مسجد مدینه، در صدر اسلام تنها برای اداء فریضة نماز نبود، بلکه مرکز جنب و جوش و فعالیت‌های دینی و اجتماعی مسلمانان بود، هر وقت لازم می‌شد اجتماعی صورت بگیرد مردم را به حضور در مسجد دعوت

۲ — اصغر فتحی، منبر یک رسانه عمومی در اسلام، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۸، ص ۸.

۳ — سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۱ — تاریخ طبری ج ۱ — ۳، ص ۱۲۴ — فتح البلدان بلاذری ص ۱۷، به نقل از تاریخ

آموزش در اسلام، دکتر احمد شلبی، ترجمه محمدحسین ساکت، ص ۹۰.

۴ — حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، چاپ اول ۱۳۶۲، ص ۲۰۴.

می‌کردند و مردم از هر خبر مهمتی در آن‌جا آگاه می‌شدند و هر تصمیم جدی گرفته می‌شد در آن‌جا به مردم اعلام می‌گردید.^۵

مسجد در دورهٔ خلفای راشدین:

خلفای راشدین به تبعیت از پیامبر اسلام (ص)، خود وظیفهٔ پیشنمازی و اقامهٔ نماز جمعه را عهده‌دار بودند و این کار نشانه‌ای از خلافت محسوب می‌شد... مساجد جامع و سایر مسجدهای بزرگ، زیر نظر خلیفه اداره می‌شد، اما مساجد محلی را مردم محل به وضع آن رسیدگی می‌کردند. در قرون اولیهٔ هر شهری تنها یک مسجد جامع داشت اما به تدریج با افزایش شهرنشینان، شهرهای بزرگ دارای چند مسجد جامع شدند. که آن در شهرهای اسلامی همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و در دو یا چند سوی آن بازار امتداد می‌یافت و در پیرامون آن مؤسسات اجتماعی همچون دارالحکومه، کاروانسرا و مهمانخانه‌هایی برای مسافران، مکانهایی برای فقرا و بی‌نویان، دارالشفاء، خانقاه، آب‌انبار، حمام و مدارس، و پس از زمان صفویه حسینیه و تکیه قرار داشت.^۶

در دورهٔ خلفای راشدین مساجد محل تجمع سربازان اسلام بود، و به تبعیت از «مجلس قبیله‌ای» که از قبل از اسلام، برای به شور گذاشتن موضوعات مهم ایجاد شده بود، «مسجد قبیله‌ای» نیز به وجود آمد و طی غزوات اولیهٔ اسلامی این «مساجد قبیله‌ای» کانون بسیج نیرو برای قبایل مختلف بود.^۷

مسجد در دوران عباسیان:

به روزگار عباسیان، مساجد که در هر شهری تعدادی از آنها ساخته شده بود تنها عبادتگاه نبود و در بعضی موارد «کلوب» و «مهمانسرای» هم می‌شد. مکرر اتفاق می‌افتاد که غریبی در مانده وارد شهری می‌شد و با اهل و عیال خود در مسجد فرود می‌آمد. نیکوکاران شهر هم که در مسجد دایم در رفت و آمد بودند از این غریبان دلنوازی و دستگیری می‌کردند. در این مساجد شیهای جمعه غالباً به احوال فقرا بیشتر توجه می‌شد و همچنین در ماه رمضان... در مساجد

۵ - مرتضی مطهری، داستان راستان، ج ۱، ص ۱ و ۲.

۶ - حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۷ - اصغر فتحی، منبر یک رسانهٔ عمومی در اسلام، ص ۹.

حلقه‌ها بود، برای املاء روایت حدیث پیامبر(ص) و فهم احکام قرآن. در ضمن حدیث رسول و تفسیر قرآن از تواریخ و قصص و از عقاید و مذاهب نیز سخن می‌رفت. در مسجد بصره حلقه بحث حسن بصری انواع فواید داشت و مذهب معتزله از مباحثاتی که در محفل او می‌رفت پدید آمد. چنان‌که در بغداد در مسجد منصور نیز معتزله و دیگر مساجد حلقه‌ها داشتند و مناظرات کلامی می‌کردند. گاه قصه‌گویان هم می‌آمدند و در مساجد قصه‌های انبیاء سلف و پادشاهان قدیم را بیان می‌کردند. همچنین حلقه‌هایی بود که در آنها از نحو یا شعر یا لغت سخن در میان می‌آمد.^۸

مدرسین در همه مساجد به تدریس علوم دینی و کلام مشغول بودند، در دوره بنی عباس توجه به علوم عقلی و کلامی بسیار بود، در مساجد حلقه‌های درس و بحث در زمینه‌های دینی و فلسفی تشکیل می‌شد. ابن‌خلدون می‌گوید: «وظیفه مدرسان این است که به کار آموختن و نشر دانش همت گمارند و در مساجد برای انجام دادن این وظیفه بنشینند و آماده کار تدریس شوند. در این صورت اگر مدرسان در مساجد بزرگ و جامعی که تولیت آنها با خلیفه است و پیشمازان آنها را وی تعیین می‌کند، به تدریس مشغول شوند ناچار باید در این باره از مقام خلافت کسب اجازه کنند ولی اگر در مساجد عمومی به تدریس پردازند گرفتن اجازه ضرورت ندارد.»^۹

مقدسی از حلقه‌های درسی که در شهرهای گوناگون در مساجد جامع برگزار می‌گردید سخن گفته و اشاره می‌کند هر کس که وارد شهری می‌شد، مطمئن بود که حداقل می‌تواند در مسجد جامع شهر درسی از حدیث بشنود. هم او به یکصد و ده مجلس درسی که در جامع قاهره پس از نماز عشاء برپا بود، اشاره می‌کند.^{۱۰} روزانه در برخی از اینگونه حلقه‌ها تا پانصد نفر حاضر می‌شدند.^{۱۱} در اینگونه مساجد کتابخانه‌های بزرگی برای مراجعه اهل دانش وجود داشت. یکی از علمای قرن پنجم به نام الما فروخی به کتابخانه بزرگ مسجد جامع اصفهان اشاره می‌کند که دارای کتب بسیاری در زمینه علوم اوایل مثل ریاضیات، منطقیات، طبیعیات و الهیات و همچنین ادب و احادیث و اخبار بود. او درباره رونق مساجد می‌گوید که در هر یک از

۸ - عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیرکبیر، ص ۴۴۹ و ۴۵۰.

۹ - ابن‌خلدون، مقدمه تاریخ ابن‌خلدون، ج ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۲۳.

۱۰ - فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، ص ۵۲۸ به نقل از حسین سلطانزاده، شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران.

۱۱ - علی سامی، سیر دانش و فرهنگ ایران در ادوار مختلف بعد از اسلام، هنر و مردم شماره ۲۶، ص ۳۸ به نقل از همان مأخذ.

نمازهای پنجگانه حداقل پنجهزار مرد شرکت می‌کنند و پهلوی هر ستونی شیخی و جمعی از اهل دانش وجود دارند که به درس یا ریاضت نفس مشغولند و از حلقه‌های مناظره فقها و گفتگوی علما و مجادله متکلمین و نصیحت واعظین سخن می‌گویند.^{۱۲}

این وضع ادامه داشت و کمابیش تا حمله مغول در شهرهای اسلامی استمرار یافت، سپس بعد از آن که مغول‌ها مسلمان شدند به تدریج به علت نادانی و جمود و انحصار، فعالیت‌های غیرعبادی و دینی در آن ممنوع شد.^{۱۳} این روند در دوره صفویه و قاجاریه هم ادامه یافت و به علت عدم آزاداندیشی و تسامح، تدریس و بحث و مناظره علوم عقلی، فلسفی و اجتماعی به بیرون مسجد انتقال یافت و به این ترتیب مسجد از نظر عملکردها راه انحطاط پیمود. البته با این وجود از نقش مسجد در بسیج مردم چندان کاسته نشد و در جریان انقلاب مشروطه مساجد به عنوان کانونهای اصلی مبارزه مردم علیه استبداد مورد توجه بود.^{۱۴}

کارکردهای مسجد:

به هر حال واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که «مسجد» در عین حال که عبادتگاه و محل سجده مسلمان است، نسبت به سایر عبادتگاه‌ها و معابد ادیان و مذاهب دیگر تفاوتها و برتری‌هایی بسیار دارد: مسجد خانه‌ای است ساده و بی‌آلایش و دور از تشریفات آنچنانی، که از حاصل دسترنج هزاران مسلمان مؤمن ساخته می‌شود و آنرا از خانه خود عزیزتر و محترمتر می‌دانند. و به حق می‌توان گفت مسجد پایگاه ایمان و طهارت و تقوی است. محیط تربیت است و سازندگی، قداست است و پاکی، محل کسب فضایل انسانی و تقویت آنها است. جایگاه تجلی عرفان و انوار درخشان الهی و گام برداشتن در راستای طریقت و رضای اوست، جایگاه دورکردن و پاک نمودن وجود خود و سپس جامعه و دیگران از هرچه باطل است و زدودن همه زنگارهایی که بر دل و جان و فکر و اندیشه انسان نشسته است. مسجد مکان تبلیغ و ارشاد و هدایت مردم و عرضه کردن قوانین الهی و آشنا نمودن مردم با آن است. محل آموزش قرآن و تعلیم قوانین الهی است، با منبرش که سنگر بزرگ نورافشانی مبلغان و گویندگان عالم و عامل می‌باشد، و با محرابش که محل حرب و جنگ و رویارویی با دشمن درون و هوای نفس

۱۲ - المافروخی اصفهانی، محاسن اصفهان، تصحیح سیدجلال‌الدین حسینی، ص ۸۵ به نقل از همان مأخذ.

۱۳ - علی مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ص ۱۴ به نقل از همان مأخذ.

۱۴ - حسین سلطانزاده، شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

و در نتیجه با دشمن بیرونی است. مسجد پایگاه اجتماع مردم و زمینه ساز وحدت و همبستگی هر چه بهتر و بیشتر در میان اقشار مختلف اسلامی است.^{۱۵}

کارکرد اجتماعی مسجد:

اگر در مسجد نماز خوانده می شود این شکل جمعی و به جماعت برگزار کردن نماز است که بیشتر مورد نظر بوده و اسلام بر آن تأکید داشته است. بخصوص جماعت های هفتگی جمعه که صد درصد هدف های اجتماعی و سیاسی در آن لحاظ گردیده است. نماز جمعه در واقع نوعی بیعت عمومی است با رهبری، و از این طریق بوده است که مردم در جریان امور و حوادث و تحولات سیاسی اجتماعی قرار می گرفتند و حکومت و رهبری نقش بیدارگری و آگاهی بخشی جامعه را و نیز رسالت ارشاد و تربیت و تزکیه خلق را با توصیه به «تقوی و انتظام امور» به انجام می رسانده است، البته حکومت های جور و غصب در جهت عکس یعنی تحمیق و اغفال یا فریب و ارعاب مردم عمل می کرده اند. مسجد را باید کانون همه تلاش ها و حرکت های جمعی و جنبش های فکری و دینی و سیاسی دانست. نقش مترقی و پرتحرک و حرکت آفرین مساجد در حیات اجتماعی مسلمین بخصوص در صدر اسلام نشان می دهد که انحصار کارکرد و نقش مساجد به برگزاری نماز و نیایش های فردی و حداکثر چند موعظه اخلاقی بی ضرر و بی خطر به حال دستگاه های سیاسی یا سخن از نعمات دوزخ و نعمات بهشت راندن که در روزگار حاکمیت های ظلم و جور و فریب و خلافت غصب رواج داشته است، انحراف و عدول از مقصد و هدف اولیه این نهاد اجتماعی دینی می باشد، هر چند در دوره خلفای اموی و عباسی نیز مسجد و منبر به منزله یک وسیله ارتباط جمعی به کار گرفته میشده است و مرگ حاکم، نتایج جنگها، اعلان ها، فرامین، احکام مالیاتی، احکام عزل و نصب صاحب منصبان در مسجد خوانده می شد.

دائرة المعارف بریتانیکا ذیل کلمه Mosque می نویسد: «مسجد عربی، در اسلام محل نماز و دعا و جای عبادت است آن هم عمدتاً به منزله مرکز عبادت جمعی که در آن همه یکسان در برابر خداوند قرار می گیرند. مسجد به لحاظ تاریخی کارکردهای عمومی چندی داشته است، نظامی، سیاسی، اجتماعی، آموزشی و پرورشی. مدارس و کتابخانه ها گاهی اوقات در مساجد قرون میانه تشکیل می شده اند، معروفترین نمونه آن «الازهر» در قاهره می باشد.»^{۱۶}

۱۵ - رک: ابوالقاسم رزاقی، مسجد پایگاه توحید و تقوی، نشریه شماره ۶۷ حزب جمهوری اسلامی، ص ۱۸ - ۲۰.

کارکردهای سیاسی اجتماعی که به مساجد داده شد در واقع یکی از گامهای بلندی بود که پیامبر اکرم(ص) در ابتدای دعوت خویش برای توسعهٔ کيان اجتماعی اسلام برداشت. احمد شلبي دانشمند معاصر مصری می‌نویسد: «هدف از ایجاد مسجد ساختن بنایی برای عبادت تنها نبود زیرا که دین مبین اسلام تمام زمین را برای مسلمانان مسجد قرار می‌دهد و لیکن اهمیت اولین بنا به عنوان مسجد بسیار عمیق‌تر از این بوده است، پیامبر(ص) مقصودش از ایجاد مسجد بنایی بود که منتسب به این قبیله یا آن قبیله نباشد که در آن افرادی از گروه‌های خاص و خاندانهای معین گرد هم آیند، بلکه بنایی بود متعلق به همگان تحت نام «خانهٔ خدا» و بیت‌الله که در آن مسلمانان یکدیگر را ملاقات می‌کردند برای عبادت، برای مشاوره، برای انجام امور قضایی، برای امور بازرگانی برای آموزش امور دینی و غیره. در این مکان وحدت و آشنایی و الفت روحی میان افراد جامعه پیدا می‌شد زیرا هر فرد پنج بار در روز به این مکان مراجعه می‌نمود. شواهد تاریخی دلالت بر این دارد که اهل مدینه مسجد را مکانی برای شعرخوانی و گفتگو پیرامون امور بازرگانی و کسب و کار و آموزش و غیره قرار داده بودند به طوری که گاهی صدای آنان بر صدای نمازگزاران غلبه می‌یافت و بنابراین عمر — خلیفهٔ دوم — مکانی را در کنار مسجد و متصل به آن برای این گفتگوها قرار داد تا مسجد فقط برای عبادت و قضاوت و آموزش باقی بماند. به طور کلی امروز باید مساجد مانند گذشته اختصاص به خدمات عمومی برای مسلمین و اسلام داشته باشد همانطور که در صدر اسلام بوده است.»^{۱۷} همین مؤلف در اثر دیگری از نقش مسجد در آموزش سخن به میان می‌آورد و می‌گوید حتی پزشکی هم در مسجد آموخته می‌شد.^{۱۸} همچنین حسین امین از مسجد به منزلهٔ نخستین جایگاه دانش در اوایل عصر اسلامی یاد می‌کند.^{۱۹}

مسجد در حال حاضر:

کارآئی و قدرت معنوی مسجد در به‌عهده گرفتن نقش‌ها و کارکردهای مترقی در حیات سیاسی اجتماعی و مذهبی مسلمین در دوران تجدید حیات اسلامی اخیر در بسیاری از کشورهای اسلامی پیاخته و بخود بازگشته در شمال آفریقا مانند مصر و الجزایر و لیبی و غیره

۱۷ — احمد شلبي، المجتمع الاسلامی، قاهره، ص ۵۶ و ۵۷.

۱۸ — رک: دکتر احمد شلبي، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، ص ۹۷.

۱۹ — محمدحسین ساکت، جایگاه‌های دانش در جهان اسلام، کانون نشر کتاب مشهد، ص ۵.

و در آسیا مانند هند و پاکستان و بخصوص ایران قابل مشاهده است. در گفتگویی که با یکی از میهمانان ۲۰ دهه فجر سال گذشته (۱۳۶۵) به هنگام بازدید آنان از «بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی» به عمل آوردیم روشن گردید که حتی در کشور آفریقای جنوبی که با حدود ۳۵ میلیون جمعیت تنها حدود ۴۵۰ هزار نفر مسلمان دارد، مساجد مسلمانان از جمله در ژوهانسبورگ پایگاه فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مرکز سازماندهی و تشکل مسلمانان آن کشور بوده و نقش بسیار مهمی به عهده دارند. به بیان جامعه‌شناسی می‌توان گفت مسجد یک نهاد اجتماعی - دینی است و مولود نیازهای عبادی و اجتماعی مسلمین است البته مسلمینی که اجتماعیاتشان عین شریعتشان است.

کارکردهای مسجد بیشتر اجتماعی است. زیرا که در اسلام «دین» در متن حیات اجتماعی حضور دارد و نه در حاشیه. در اسلام کلیه روابط فردی و اجتماعی انسانها با احکام دینی تنظیم می‌شود و دین بر همه شئون زندگی انسان حاکمیت دارد. آنچه که لازم به توجه است و باید مورد تأمل قرار داد این است که در حال حاضر آیا ما به خوبی توانسته‌ایم این نقش‌ها و کارکردها را حفظ کنیم و آیا مساجد امروز ما جایگاه واقعی خود را دارند؟ البته نیاز به بررسی دارد. قبل از هرگونه بررسی، واضح است که در دنیای امروز گسترش سازمانهای اجتماعی و تنوع آنها و تعدد و تنوع و رشد سریع و وسیع وسایل ارتباط جمعی، بسیاری از نقش‌ها و کارکردهایی که مساجد در گذشته داشته‌اند، به آن ابزارهای نوین واگذار شده است. بنابراین طبیعی است که مساجد در بعضی زمینه‌ها بی‌روفت‌تر از گذشته باشند. در عین حال مساجد به جهت پایگاه مردمی که دارند، فارغ و آزاد از همه رسمیت‌ها و بخشنامه‌ها، میدان بازتری برای فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم می‌آورند.

مساجد مشهد در دوره بعد از انقلاب:

برای نمونه به بررسی مختصری که در مورد مساجد شهر مقدس مشهد انجام داده‌ایم می‌پردازیم. مطابق آمار سازمان اوقاف مشهد تا تابستان سال ۱۳۶۴ حدود پانصد باب مسجد در مشهد وجود داشته است و بنا به گزارش‌های غیررسمی در حال حاضر این تعداد به ۵۶۰ باب افزایش یافته است. غالب این مساجد به دنبال رشد و گسترش شهر مشهد طی چهل سال اخیر ساخته شده و جدید می‌باشند. مابقی مساجد که قدیمی خوانده می‌شوند هر یک سابقه تاریخی

متفاوتی دارند. بعضی از این مساجد مانند مسجد ذوالفقار واقع در بازار سرشور، و مسجد مقبل (حمزه) واقع در بازارچه سراب و مسجد حاجی سرکه واقع در خیابان خواجه ربیع حدود ۵۰ الی ۶۰ سال پیش بنا شده‌اند و بعضی دیگر مانند مسجد پائین‌آب (امام حسن عسگری (ع)) و مسجد حاج فضل‌اله خان حدود ۷۰ سال قدمت دارند، و برخی مانند مسجد حوض لقمان واقع در کوچه‌ای به همین نام نزدیک میدان شهدا ۱۲۰ سال و مسجد حوض کوله واقع در کوچه چهنو و مسجد کوچه زردی (مسجد جعفری) حدود یکصد سال پیش احداث گردیده‌اند. در این میان می‌توان به چند مسجد قدیمی‌تر نیز اشاره نمود مانند مسجد حیدری‌ها واقع در خیابان نادری (توحید) که حدود ۴۰۰ سال قدمت دارد، مسجد سهله (نظریافته) واقع در بازار سرشور که در سال ۹۲۷ قمری بنا گردیده است، مسجد مقبره که گویا در زمان نادرشاه ساخته شده است، مسجد حاج ملاحیدر واقع در خیابان خسروی نو بادویست سال قدمت و مسجد شاه (مسجد هفتاد و دو تن) واقع در بازار بزرگ که در ماه رجب سال ۸۵۵ هجری قمری بنا گردیده و جزء ابنیه تاریخی است و زیر نظر اداره حفاظت آثار باستانی اداره می‌شود، همچنین مسجد سنگی که زمان ایجاد آن قبل از مسجد گوهرشاد می‌باشد. البته این مساجد قدیمی به نسبت قدمتشان تاکنون چندین بار و حداقل یک بار بازسازی شده‌اند. از آنجا که زمین (عرصه) این مساجد معمولاً به صورت وقف واگذار می‌شود و ملک وقفی را نمی‌توان تبدیل کرد یا به فروش رساند، مساجد از نظر تعداد کاهش نمی‌یابند و همیشه روبه افزایش‌اند.

رشد کمتی مساجد:

به طور کلی در مورد رشد کمتی مساجد دو نظر می‌توان ارائه داد، یکی این‌که با دید مثبت به مسئله بنگریم و افزایش کمتی مساجد را در پنجاه سال اخیر نشانه گرایش‌های مذهبی مردم تلقی کنیم و این‌طور تحلیل کنیم که علیرغم تلاش‌های ضد مذهبی رژیم گذشته مردم مسلمان ما از ایجاد تأسیسات مذهبی (مساجد و تکایا) غفلت نکرده و بلکه توجه داشته‌اند. هرچند که سیاست محمدرضا پهلوی برخلاف پدرش تظاهر به مذهب بود و بیشتر می‌کوشید مذهب را وسیله تخدیر جامعه قراردهد، و آشکارا با پدیده «ایجاد اماکن مذهبی» مخالفتی نمی‌شد در عین حال تمایل باطنی رژیم پهلوی در عدم توسعه و بی‌رونقی مساجد بوده است. نظر دیگر که شاید بتوانیم آن را واقع‌بینانه بنامیم این است که آیا رشد کمتی مساجد بخصوص در سالهای بعد از انقلاب که جامعه از نظر مذهبی تب و تاب بیشتری یافته است، منطبق با نیازهای واقعی جامعه صورت گرفته است یا نه بی‌رویه بوده است؟ بدون شک از آنجا که هیچ‌گونه برنامه‌ریزی سازمان یافته

در ایجاد مساجد وجود ندارد بلکه وجود همت و خودیاری و امکانات فراهم آمده توسط مردم و ساکنان محله یا منطقه‌ای به ایجاد مسجدی می‌انجامد، می‌توان گفت مساجد در همه جا به طور متعادل و منطقی توسعه نمی‌یابند. چه بسا در جایی که چندان نیازی هم احساس نمی‌شده مبادرت به ایجاد مسجدی شده باشد. مثلاً گاهی اوقات هر چند به ندرت، گرایش‌ها و تمایلات خاص افرادی ممکن است انگیزه ایجاد مسجدی شود که در این صورت مسجد پایگاهی می‌گردد برای ابراز وجود و تشخیص طلبی‌های قومی و گروهی، که البته مورد تأیید اسلام نمی‌باشد. پیامبر اکرم (ص) شدیداً با این فکر که مساجد پایگاه دسته‌بندی‌های سیاسی و فرقه‌ای و گروه‌گرایی‌های قومی قرار بگیرند مبارزه کرده است. مسجد «خانه خدا» خوانده شده و به عموم مردم تعلق دارد و هرگز نمی‌توان رنگ خاصی به آن زد. در عین حال گاهی دیده می‌شود مردم محلی به خاطر مسجدشان و برتری و امتیازی که نسبت به مسجد محله دیگر ممکن است داشته باشد تفاخر می‌کنند. و همین، زمینه ایجاد تفرقه و از میان رفتن وحدت در میان مسلمین می‌گردد. نمونه تاریخی آن مسجد «صرار» است.

به هر صورت افزایش کمی مساجد تا آنجا مطلوب است که بنا به ضرورت و نیاز محل باشد. و گرنه تنها نمی‌توان به این دل‌خوش بود که در فلان شهر و ده و منطقه تعداد قابل توجهی مسجد ساخته شده و در فلان دهه درصد قابل ملاحظه‌ای بر تعداد آنها افزوده گردیده است. این که در این مساجد چه می‌گذرد؟ و محتوی کار آنها و عملکرد واقعی آنها چه می‌باشد؟ باید مورد نظر قرار گیرد.

نامگذاری مساجد:

هر مسجدی را نامی است که مشخص‌کننده آن است. و در این نامگذاری‌ها ذوق و سلیقه و گرایش‌های فکری و ارزشهای فرهنگی خاصی مؤثرند. غالباً نام اشخاص (بانیان، خلفاء، امراء، علماء و بزرگان)، نام محل و غیره زینت بخش مساجد بوده‌اند، مسجد ایاصوفیه، مسجد اموی، مسجد قبا، مسجد نبوی (مسجد النبی)... در مساجد مشهد نامهای گوناگونی دیده می‌شود اما بیشتر مساجد بخصوص مساجد جدید نام مبارک ائمه اطهار علیهم السلام را بر خود نهاده‌اند. هر چند که این خودگویای گرایش‌های شیعی و محبت اهل بیت در مردم ما می‌باشد اما تکرار بی‌رویه این نامهای عزیز از لطف مسئله کاسته است. مثلاً در مشهد ۹ باب مسجد به نام «ابوالفضل»، ۹ باب به نام «ابوالفضل‌ها»، ۱۱ باب به نام «ابوالفضل»، ۷ باب به نام «مسجد النبی»، ۱۵ باب به نام «مسجد الرضا» و ۲۳ باب به نام «صاحب الزمان» نامگذاری

شده است.^{۲۱} و البته نام سایر ائمه با دفعات کمتری تکرار شده است. تعداد کمی از مساجد مشهد با نام صحابه رسول (ص) مانند مسجد ابوذر، مسجد بلال و غیره نامگذاری شده است. بعضی هم با نام محل مانند مسجد کوچه زردی، مسجد میرهوا، مسجد نقندر، برخی با نام شخصیت‌های محل یا بانیان خود مانند مسجد ملا حیدر، مسجد محراب‌خان، مسجد ملا هاشم و برخی دیگر با نام اقلیت‌های قومی و صنفی نامگذاری گردیده‌اند مانند مسجد مروی‌ها، مسجد ترک‌ها، مسجد کردها، مسجد یزدی‌ها، مسجد علاف‌ها، مسجد رانندگان و غیره...

احداث مساجد:

احداث این مساجد اکثراً به این صورت بوده که صاحب کرمی قطعه زمینی اهداء کرده است و صاحب همتی پیش‌قدم می‌شود و آستین‌ها را بالا زده و با همیاری مردم و کسبه محل بنای آن‌را به انجام رسانیده‌اند. درصد بسیار کمی از مساجد تماماً یا بخش عمده هزینه‌ی احداث آن توسط فرد مؤمن و خیری تأمین گردیده و به صورت «وقف» در اختیار مردم قرار گرفته است.

تأمین هزینه:

هزینه‌های جاری مساجد عموماً با کمک مردم و درآمدی که از طریق برگزاری مجالس ترحیم به دست می‌آید تأمین می‌گردد، که البته این درآمدها بنا به موقعیت محلی مساجد متفاوت است. درصد کمی از مساجد هم یکی‌دو دربند مغازه سر مسجد یا به صورت موقوفه دارند که درآمد مختصری نیز عاید مسجد می‌سازند.

مدیریت در مساجد:

مدیریت مسجد در بعضی موارد در اختیار «متولی» است و در بعضی موارد «هیئت مدیره» اداره امور مسجد را به عهده دارد. در برخی از مساجد هم امام جماعت گرداننده اصلی به حساب می‌آید و اکثر برنامه‌ریزی‌ها توسط وی صورت می‌گیرد و بخشی از رونق و گرمی کار مسجد به همت و تلاش او بستگی دارد. هیچگونه مدیریت رسمی و سازمان‌یافته‌ای بر کار مساجد حاکم نیست، حتی در گذشته نیز نبوده است. خط‌مشی و نحوه اداره و کمیت و کیفیت برنامه‌ها و فعالیتهای گوناگون در مساجد به‌طور سنتی تعیین شده است و تفاوت‌های

احتمالی در این مورد ناشی از بینش و تفکر و رأی و نظر گردانندگان آن می‌باشد. سازمان رسمی و دولتی اوقاف تنها مسئولیت حفظ و نظارت بر مساجد را به منزلهٔ اماکن مذهبی به عهده دارد و نه در محتوی کار آنها و کیفیت برنامه‌ها. در حال حاضر «شورای ائمهٔ جماعت» به منزلهٔ یک تشکل نوین (بعد از انقلاب به وجود آمده است) عهده‌دار برقراری هماهنگی در فعالیت‌های مساجد و برنامه‌های گوناگون آن می‌باشد.

نقش‌ها و کارکردهای مساجد در مشهد بعد از انقلاب:

اصلی‌ترین و سستی‌ترین فعالیت رایج در مساجد، برایی نمازهای جماعت یومیه می‌باشد که در غالب مساجد دو نوبت در روز (ظهر و عصر، مغرب و عشاء) برگزار می‌شود و بعضی از مساجد کم‌جمعیت به یک نوبت در روز اکتفاء می‌کنند. نماز عید فطر (اضحی) کم و بیش در همهٔ مساجدی که موقعیت محلی مساعدی دارند برگزار می‌شود.

فعالیت‌های سیاسی و نظامی چندی در مساجد صورت می‌گیرد. آموزشهای نظامی از قبیل اسلحه‌شناسی و غیره در سالهای اولیهٔ انقلاب و جنگ متداول بوده است. در اوج فعالیت‌های تروریستی سازمانها و گروه‌های محارب (سالهای ۶۰ و ۶۱) در اکثر مساجد پایگاه مقاومت و گشت شبانهٔ نیروهای انتظامی بسیج دایر بوده است و در حال حاضر در بعضی از مساجد پایگاه مقاومت نیروهای بسیج سپاه پاسداران برقرار می‌باشد. اعزام نیرو و کمک‌رسانی به جبهه‌های نبرد در اکثریت قریب به اتفاق مساجد مشهد صورت می‌گیرد. در این چند سال بعد از انقلاب که مردم بارها به پای صندوقهای اخذ رأی رفته‌اند مساجد فعالانه همکاری داشته و اکثر آنها در زمرهٔ شعبات اخذ رأی بوده‌اند.

وعظ و خطابه و روضه‌خوانی و سخنرانی‌های تبلیغی در ایام سوگواری ماه محرم و صفر و روزهای وفات ائمه معصومین (ع) و سخنان کوتاه بعد از نماز، در همهٔ ایام، غالباً در کلیهٔ مساجد انجام می‌گیرد که البته کمیت و کیفیت آن بنا به موقعیت مساجد یعنی وسعت منطقه، تراکم جمعیت، گرایشات مذهبی مردم محل، و احياناً وضعیت شغلی آنها که اوقات فراغت متفاوتی را برای آنان فراهم می‌آورد، متفاوت است. سخنرانی‌های مذهبی متعددی در ماه مبارک رمضان بعد از نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء، بخصوص در شبهای قدر (احیاء) انجام می‌گیرد، جلسات قرائت قرآن نیز در شبهای ماه مبارک در مساجد برقرار است. در برخی از مساجد در شبهای ماه رمضان سخنرانی‌های سیاسی اجتماعی چندی توسط شخصیت‌های سیاسی مذهبی برگزار می‌شود و در آن خطباء — همچنان که باید باشد — زمینه‌های اعتقادی،

فکری، اخلاقی و تاریخی اسلام را در جهت بیداری و آگاهی عمومی نسبت به مسایل سیاسی اجتماعی و واقعیات موجود در جامعه به کار میگیرند.

در روزهای تاسوعا و عاشورا، اربعین سیدالشهداء و همچنین ۲۸ صفر در رابطه با برنامه‌های عزاداری در بعضی از مساجد، اطعام یا «خرج» صورت می‌گیرد که در مشهد غالباً «شله‌قلمکار» است و بنا به سنت همه‌ساله، مسجد با کمک عمومی مردم و یا فرد خیری که بانی شده باشد انجام آن را به عهده می‌گیرد.

در اعیاد و جشنهای مذهبی نظیر عید میث، میلاد حضرت مهدی (عج)، ولادت امام حسین (ع)، ولادت حضرت علی (ع)، ولادت امام رضا (ع) و غیره در بعضی مساجد به برگزاری مراسم خاصی (سخنرانی، شعر، سرودخوانی و پذیرائی شیرینی و چای و...) مبادرت می‌ورزند.

برگزاری مجالس ترحیم از کارکردهای رایج مساجد است که هرچند در گذشته بیشتر در مورد شخصیت‌های مذهبی و اجتماعی انجام می‌شده است اما در نیم قرن اخیر مقبولیت عام یافته است، روز به روز با استقبال بیشتری از جانب مردم روبه‌رو شده است، شاید به سبب سهولت و امکانات بیشتر جهت پذیرائی از خیل دوستان و آشنایان متوفی، دوستان و آشنایانی که بنا به تعالیم اسلامی و سنت رایج در بین مسلمین بلکه در بین همه اقوام و ملل، عرض تسلیت و اظهار همدردی نسبت به بازماندگان تازه‌درگذشته را ضروری و وظیفه اخلاقی، شرعی و اجتماعی خود می‌دانند. و البته از این طریق بخشی از هزینه‌های جاری مساجد نیز تأمین می‌گردد.

فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در بعضی از مساجد صورت می‌گیرد. جلسات هفتگی قرائت و آموزش قرآن در بسیاری از مساجد دائر است. علاوه بر این در بعضی از مساجد کلاسهای آموزش قرآن به روشهای جدید برای نوجوانان و جوانان خصوصاً در تابستانها همراه با کلاسهای آموزش اصول عقاید، اخلاق، نهج البلاغه، آموزش زبان عربی و غیره توأم با برنامه‌های تفریحی سالم در جهت گذران اوقات فراغت تشکیل می‌گردد. همچنین در تعداد کمی از مساجد فعالیت‌های فرهنگی دیگری از قبیل تشکیل نمایشگاه کتاب، عکس و پوستر، نمایش فیلم و غیره به مناسبت‌های گوناگون، صورت می‌گیرد. و نیز تشکیل کتابخانه در مساجد در دو دهه اخیر رواج بیشتری یافته و حدود ۷۵٪ مساجد مشهد دارای کتابخانه می‌باشند.

فعالیت‌های خیریه مانند کمک به مستمندان، تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه در تعدادی از مساجد انجام شده است. انجمن‌های اسلامی محلی و شوراهای محل دفتر کار و کانون فعالیت‌های خود را اکثراً مساجد قرار می‌دهند. هیئت‌های مذهبی که عموماً در ماه محرم و صفر

در برگزاری مراسم عزاداری امام حسین(ع) و شهدای کربلا فعالیتند بعضی آنها از نظر تشکیلاتی به مساجد وابسته هستند و مقر آنها مساجد یا تکایا می باشد.

در بعضی از مساجد بعد از انقلاب «برنامه های حمایتی» نوینی اجرا می شود که در آن مؤمنین محل طی برنامه معینی از خانواده شهدای محل سرکشی کرده و ضمن دلجوئی و تقدیر از آنها نسبت به رفع مشکلات احتمالی آنها نیز اقدام می کنند.

تحلیل محتوی:

از بیان اجمالی نقش ها و کارکردهای مسجد که بگذریم آنچه که حائز اهمیت بیشتری است تحلیل محتوای کار مساجد و کیفیت این کارکردها است. البته بررسی عمیق و دقیق کیفیت کار این مساجد در حال حاضر از عهده این مقاله خارج است ولی یک بررسی هرچند هم جزئی، خالی از فایده نیست شاید مقدمه ای باشد برای بررسی های دقیق تر. تا آنجا که مقدور است به این مهم خواهیم پرداخت. مثلاً وقتی از اصلی ترین کارکرد مسجد یعنی برگزاری «نماز جماعت» سخن به میان می آید باید دید در چه وسعتی یا کمیتی و با چه کیفیتی برگزار می شود. در یک بررسی مشاهده ای روشن گردیده است که صفهای جماعت در «مساجد مرکزی» شهر یعنی مساجدی که در مراکز جمعیتی و معابر و خیابانهای پررفت و آمد واقع شده اند و مردمان و رهگذران بیشماری را که از دهات و روستاها و شهرستانهای اطراف به زیارتی، یا به سیاحتی راهی این دیار می شوند برای ادای فریضه نماز به سوی خود می خوانند، یا مساجدی که در مراکز تجاری شهر قرار دارند و کسبه و کارگران چندی به آن گرمی می دهند، پُررونقتر است از صفهای جماعت در «مساجد محلی» یعنی مساجدی که در محله های مسکونی در پس کوچه ای و یا در دل شهرکی از دید هر رهگذری مخفی می مانند. مقایسه کنید انبوه جمعیت نمازگزار را که در صفهای به هم فشرده و طولانی مسجد «حاج ملا هاشم» و مسجد «حیدری ها» و مسجد «جفائی» گرد هم می آیند، با جماعت نمازگزار مسجد «فرهنگ» واقع در مقابل ورزشگاه مهران.

رونق و گرمی بازار نماز را در مساجد و بی رونقی و کساد آنرا می توان با توزیع و پراکندگی مساجد بر مبنای پایگاه طبقاتی و قشر بندی اجتماعی ساکنین حول و حوش آن، تحلیل کرد. مساجد مناطق متمول نشین یا مناطقی که ساکنین آنرا بیشتر قشرهای متعدد تشکیل می دهند کم رونقتر است. مقایسه کنید مسجد «سجاد شهر»^{۲۲} و مسجد «شهرک ابوذر»^{۲۳}

و صفهای جماعت نسبتاً اندکشان را، با مسجد «الهادی» واقع در مقابل پمپ بنزین عشرت آباد و «مسجد الرضا» واقع در چهارراه لشگر و صفهای متعدد و طولانی‌شان. و اما زینت بخش صفهای جماعت مساجد بخصوص مساجد محلی اکثراً پیرمردان بازنشسته محل — که از غوغای کار و بازار و تلاشهای روزمره رهیده‌اند و زنان عابد دیرینه‌سال که فارغ از شش و پنج خانه، و بچه‌ها، به مسجد به پناه آمده‌اند، — می‌باشند. و جوانان کمتر به چشم می‌خورند شاید نه از سر بی‌دیانتی بلکه به‌خاطر اسارت بیشتر در غوغای بازار و کارخانه و اداره و هیاهوی تلاشهای اقتصادی. اگر به روزگار سردی و بی‌رونقی دین و گرایشهای دینی در جامعه قبل از انقلاب صفهای جماعت جلوه چندانی نداشت جای گلایه نیست چرا که رواج فساد و بی‌بند و باری و بی‌دینی میدانی برای رشد گرایشهای مذهبی و فرصت و مجالی برای توجه به نیازهای روحانی و تأمل‌ها و نیایشهای عارفانه فراهم نمی‌آورد. اما هم‌اکنون که دوران حاکمیت نظامی دینی و الهی است، و به یمن پیروزی اسلام بر استبداد و استعمار، امکان طاغوت‌زدایی و نفی فرهنگ کفرآمیز و شرک‌آلود بیگانه و رواج و بسط فرهنگ دینی میسر گردیده است در عین حال مساجد را در جذب و کشاندن جوانان به سوی صفهای جماعت با توجه به توقمی که می‌رود چندان موفق نمی‌بینیم. علت آن هرچه باشد مسلماً ضعف تمایلات خداگرایانه و کاهش ایمان مذهبی و یا به فرض بعید بی‌اعتباری مسجد در ذهن جوانان نیست، بلکه با توجه به نقش پویا و تحول‌زایی که مساجد در حرکت و جنبش انقلابی اخیر ایفا کرده‌اند اعتبار بیشتری را در بین مسلمین کسب نموده‌اند. و در افزایش تمایلات دینی و رواج ارزشهای مذهبی و احساسات خداگرایانه در بین جوانان هم نمی‌توان شک نمود. تنها این میماند که بپذیریم شرایط اجتماعی و نظام معیشتی حاکم بر جامعه امروز، هرگونه فرصت و مجالی را برای راز و نیازهای خداجویانه و تأمل‌های عارفانه و دعا و نیایش و عبادت‌های عاشقانه و یا حتی ادای فرایض روزانه در خلوت‌گه روحانی و پُررمز و راز معبدی و مسجدی، از انسان گرفته است.

به هر حال چنین به نظر می‌رسد که نمازهای جماعت به منزله اصلی‌ترین فعالیت و نقش، غالباً صورتی را حفظ کرده و محتوای خود را (محتوای اجتماعی) تا حدودی از دست داده‌اند و به ندرت بعضی از هدفها و مقاصدی که اسلام از وضع این سنت در نظر داشته است تأمین می‌شود. آنچنان که در فلسفه نماز جماعت بیان می‌شود هدفهایی همچون: ایجاد وحدت در بین مؤمنین، نزدیک شدن عاطفی و روحی مؤمنین به یکدیگر، القاء این مفهوم که حرکت خداجویانه

انسان‌ها و ارتباط روحانی انسان با خدا حرکتی است جمعی، و افراد و آحاد انسانی وقتی در ارتباط با خدا به کمال انسانی و قرب الی الله می‌رسند که جمع انسان‌ها در چنین ارتباطی قرار بگیرند، و یا القاء این مفهوم که در اسلام، انسان در حرکت کمال جویانه خویش به سوی خدا، در کنار مردم، همراه با اجتماع و از میان جامعه است که به آن دست می‌یابد (نفی رهبانیت)، یا این‌که مؤمنین به وسیله نماز و تقرب که می‌جویند ارتباط انسانی پیدا کرده و روابط جمعی بین آنها برقرار می‌گردد، از حال و وضع و روزگار یکدیگر باخبر می‌شوند و مشکلات دینی و علمی و اجتماعی و حتی شخصی یکدیگر را برطرف می‌سازند، و نیز هدفهای اجتماعی دیگری از این قبیل مورد نظر بوده است. آیا واقعاً چنین هدفهایی تحقق می‌یابند؟ شاید انگیزه و هدف غالب نمازگزاران بیشتر این باشد که به پاداش صرفاً اخروی آن و بدون ارتباط با زندگی واقعی دست یابند، و کمتر به آثار و نتایج عینی مترتب بر آن توجه دارند و کمتر بین نتایج این جهانی «نماز جماعت» و آثار آن جهانی آن ارتباط برقرار می‌کنند. اگر سؤال شود که چرا به نماز جماعت می‌آئید؟ پاسخ رایج اینست که: «ثواب دارد». در عین حال باید اذعان نمود که بخصوص در مساجد محلی که معمولاً عده‌ای معین و ثابت همیشه به مسجد می‌آیند نوعی همبستگی و ارتباط انسانی بین مؤمنین ایجاد می‌شود، با مسایل و مشکلات یکدیگر آشنا شده و نسبت به رفع آنها همکاری‌های متقابل انجام می‌دهند. هرچند در بعضی موارد (بیشتر در مساجد بزرگ با نمازگزاران گاه گاهی) دیده می‌شود که چه بسا نمازگزارانی که مدتها در یک مسجد و در یک صف نماز خوانده‌اند و در عین حال کمتر با درد هم و با مشکلات یکدیگر آشنا شده‌اند و کمتر همزبانی و همدلی بین آنها ایجاد شده و ارتباط فکری برقرار گردیده است. حتی مصافحه‌ای هم که بعد از نماز معمولاً بین مؤمنین صورت می‌گیرد غالباً تصنعی و به صورت یک حرکت مکانیکی صرف و به منزله آدابی تشریفاتی انجام می‌شود. غالباً چنین تصور شده که صرف تجمع فیزیکی انسانها در مسجد کافی است که نمازگزار به بهره‌های اخروی خاص آن دست یابد، در حالی که «جماعت» وقتی معنی دارد که تجمع «انسانی» باشد یعنی ارتباطی معنوی و روحی و فکری و عاطفی فراهم گردیده باشد. شاید بتوان گفت یکی از عوامل مهمی که مانع تحقق هدفهای واقعی نماز جماعت می‌باشد این است که اکثر مردم فرصت چندانی برای ماندن در مسجد ندارند و به طوری که مشاهده می‌شود در اکثر مساجد بلافاصله بعد از «سلام نماز» جمعیت مسجد را ترک می‌کنند، و در نتیجه ارتباط انسانی عمیقی به وجود نمی‌آید. در سالهای قبل از انقلاب مساجد تحت نظارت و کنترل غیررسمی و غیرمستقیم سازمان دینی دولتی اوقاف با محدودیتهائی روبه‌رو بود و با فشارهایی که بر آن وارد می‌شد، نقش آنها

در سطح فعالیتهای ستی بی‌ضرر و بی‌خطر به حال دستگاه سیاسی حاکم محدود می‌ماند. تنها معدودی از مساجد زیر آن فشارها با توسل به مخفی‌کاری و روشهای دیگر محتوی نسبتاً زنده‌ای به فعالیتهای خود می‌دادند. در سال ۱۳۵۶ و سالهای اولیه انقلاب مساجد نقش بسیار چشمگیری در حیات سیاسی اجتماعی جامعه ما از خود نشان دادند. به طوری که اولین جرقه‌های انقلاب از مساجد آغاز گردید و اکثر حرکت‌های سیاسی مردم در طول روزهای مبارزه نیز در مسجد طرح‌ریزی و سازماندهی و رهبری می‌شد. و هم‌اکنون مساجد بخصوص در این سالهای جنگ و جهاد و مقاومت با تشکیل هسته‌های بسیج، آموزشهای نظامی و اعزام رزمندگان به جبهه، و نیز با جمع‌آوری کمکهای مالی مردم و تأمین بخشی از تدارکات جبهه نقش سیاسی خود را حفظ کرده‌اند. امروز محتوی خطابه و منبر در مساجد تحول یافته است و مردم از این طریق با مسایل سیاسی جهان نیز آشنا می‌شوند و در جریان امور قرار می‌گیرند. البته باید اذعان نمود که در حال حاضر با حاکمیت نظام جمهوری اسلامی نهادها و سازمانهای متعدد دیگری نیز برخی از نقش‌ها و کارکردهای مسجد را به عهده دارند که همین امر موجب شده است علیرغم جو مذهبی موجود، در بعضی از زمینه‌ها کار مساجد رونق چندانی نداشته باشد. برای مثال رادیو و تلویزیون، مطبوعات، مدارس و دانشگاه‌ها با ارائه بخش عظیمی از آموزشهای دینی و تعالیم مذهبی مورد نیاز جامعه، تا حدودی بازار مسجد را در بعضی از زمینه‌ها به کساد کشانده‌اند. یا این‌که بخشی از فعالیتهای مربوط به جنگ از قبیل اعزام نیرو، کمک‌رسانی و غیره توسط ستادهایی که در ادارات و مؤسسات گوناگون تشکیل گردیده‌اند انجام می‌شود. براساس یک بررسی نمونه‌ای، حدود ۷۵٪ مساجد دارای کتابخانه می‌باشند. اکثر اینها راکد و فاقد مراجعه‌کننده هستند. تعداد کتاب در بیشتر این کتابخانه‌ها بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ نسخه می‌باشد، (چند ردیف کتاب در یکی دو قفسه). افزایش سریع و چشمگیر کتابخانه در مساجد از جلوه‌های حرکت سیاسی مذهبی اخیر است. هرچند که در دوران اولیه رشد و شکوفائی فرهنگ و تمدن اسلامی کتابخانه جزء لاینفک مسجد بوده است اما در دوره افول تمدن و انحطاط فرهنگ اسلامی به فراموشی سپرده شده بود. در دهه ۱۳۵۰ تأسیس کتابخانه در کنار مسجد به منزله یک حرکت نوین به وجود آمد و در اوج حرکت انقلابی جامعه ما در سال ۱۳۵۷ به سرعت افزایش یافت. مردمی که پس از سالها غفلت و بی‌خبری به بیداری می‌رسیدند خود را بیش از پیش نیازمند دانستن و کسب آگاهی‌های سیاسی مذهبی می‌دیدند و مشتاقانه در این جهت گام بر می‌داشتند. ولی اکنون که تب و تاب کسب اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و مذهبی قدری فروکش کرده است از گرایش عمومی نسبت به استفاده از کتابخانه

کاسته شده است و در نتیجه غالب این کتابخانه‌ها به سبب عدم مراجعه‌کننده، بدون مسئول و گرداننده بوده و تعطیل می‌باشد. حتی کتابخانه «مسجد حیدری‌ها» با حدود ۳۰۰۰ مجلد کتاب به سبب عدم مراجعه (در تابستان ۱۳۶۴ که مطالعه انجام شده است) تعطیل بوده است. تعداد کمی از کتابخانه‌های مساجد بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ مجلد کتاب دارند و کتابخانه «مسجد الرضا» واقع در سی‌متری احمدآباد با حدود ۹۰۰۰ جلد کتاب و حدود ۶۰۰ نفر عضو و مراجعه‌کننده فعال‌ترین کتابخانه مساجد مشهد است. در حال حاضر درصد کمی از این کتابخانه‌ها فعال بوده است و بیشتر مورد استفاده اعضای بسیج محل قرار دارد. شاید علت رکود این کتابخانه‌ها این باشد که عامه مردم به میزان احتیاج خودشان از سایر رسانه‌های جمعی دیگر (رادیو و تلویزیون و منبر) بهره‌مند می‌شوند و خواص مردم هم (دانشجو و معلم و تحصیلکرده‌های اهل مطالعه) اینها را محدود و یک‌بعدی و فاقد غنای کافی می‌دانند لذا به آنها مراجعه نمی‌کنند. هرچند که بی‌رونقی کتابخانه و کتابخوانی در سطح کل جامعه ما پدیده‌ای است عمومی. در جامعه ما صرف‌نظر از بی‌سوادی، میل به خواندن و عادت به مطالعه نیز در سطح پائین است. امروز علیرغم تلاشهایی که از جانب کارگزاران امور فرهنگی صورت می‌گیرد دانشجو و محصل ما کمتر شوق مطالعه و تحقیق دارد، حتی بسیاری از تحصیلکرده‌های ما بعد از فراغت از تحصیل و اشتغال به کار، مطالعه در زمینه تخصص خودشان را هم رها می‌کنند و کاملاً فارغ‌التحصیل می‌شوند. و این جای بسی تأسف است آن‌هم برای پیروان آئینی که طلب علم را «فریضه» می‌داند و حقیقت‌جویی را یکی از «فطریات» انسان می‌شمارد. با توجه به این‌که رشد فکری و علمی لازمه کمال معنوی انسان و تعالی فرهنگی او می‌باشد و این یکی از هدفها و آرمانهای اصولی نظام جمهوری اسلامی است، جا دارد که در این مورد به طور جدی اندیشید و طرح و برنامه ارائه داد. فعال‌کردن مساجد در زمینه فعالیت‌های فرهنگی از ضروریات است، و دادن یک نقش درجه‌اول به آن می‌تواند جامعه را در جهت دست‌یافتن به آرمانهای اساسی خویش یاری کند. مؤمنین خیر ما باید بدانند که اجر معنوی و ثواب اخروی دایرکردن یک مرکز فرهنگی و علمی و کتابخانه کمتر از یک دهه روضه‌خوانی در ماه محرم، یا کاشی‌کردن گنبد مسجدی و یا یک وعده «شله» دادن آن‌هم به کسانی که شاید اکثر آنها هرگز محتاج آن نیستند. نمی‌باشد.

فعالیت‌های فرهنگی در مساجد علاوه بر برنامه‌های آموزشی می‌توانند در سطح فعالیت‌های هنری ورزشی، تفریحات سالم، اردوهای آموزشی و تربیتی و رزمی، گردشهای علمی، مسابقات علمی و هنری و ورزشی، کلوب‌های هنری (خط و نقاشی، قصه و نمایشنامه‌نویسی، تأثر و نمایش، فیلم و اسلاید، عکس و پوستر، هنرهای دستی و غیره) و خلاصه آنچه که در

زبان آموزش و پرورش «فوق‌برنامه» خوانده می‌شود گسترش یابند. با خودیاری و همیاری مردم، مساجد می‌توانند برای پر کردن اوقات فراغت بخصوص نوجوانان و جوانان در تعطیل تابستان و حتی عامه مردم در سطح وسیعی برنامه‌ریزی کنند. نهادها و سازمانهای رسمی برای این کار کافی نیستند. اگر گفته شود این کارها جایش در مسجد نیست و زینده آن نمی‌باشد، خواهیم گفت درست برعکس، وظیفه مسجد است. تنها ممکن است پذیرش عمومی وجود نداشته باشد، که البته باید ایجاد کرد. خیلی زود و جدی هم باید به فکر افتاد، قبل از این‌که دامهای شیطانی جوانان ما را در سر چهارراه و یا در پیچ و خم کپچه‌ای و یا در گوشه و کناری شکار کنند و به دخمه‌های هولناک افیون و مواد مخدر بکشاند و قبل از این‌که جمع بیشتری از فرزندان این مرز و بوم را هیولای جهنمی هروئین و امثال آن ببلعد و آتش این جهنمی که دشمن افروزد (توطئه سیاسی استکبار جهانی در قاجاق مواد مخدر و زمینه‌های اقتصادی اجتماعی داخلی که بیشتر ناشی از جنگ تحمیلی است) هستی این ملت را بسوزاند و انقلاب را به نابودی بکشاند باید تدبیری اندیشید و مساجد را در جهت پر کردن اوقات فراغت و اعتلاء فرهنگی جامعه به کار گرفت. آیا منگری از این بزرگتر در زمانه ما سراغ دارید؟ ای متولیان دین، ای مبلغین مذهبی، ای مؤمنین و ای دلسوزان انقلاب و اسلام و مردم، چه نشسته‌اید؟ بیم آن است که دیر شود. اگر «نهی از منکر» تکلیفی شرعی است، پس در مسجد باید از آن سخن گفت و در مسجد باید برنامه‌ریزی اصولی برای نفی و رفع آن تدارک دید. این رسالتی است بیشتر بر دوش مبلغین و کارگزاران امور دینی، اگر روحانی محل و امام جماعت مسجد به این امور نمی‌رسد و یا در قلمرو تخصص و توان خود نمی‌بینند و یا در شأن خود نمی‌دانند پس باید در کنار هر امام جماعتی یک «کارگزار امور فرهنگی و اجتماعی» قرار داد، آن‌هم به صورت مردمی و خودجوش. مقلمی، بیداردل دردمندی، طلبه و دانشجویی در محل پیدا شود، به پا خیزد و برنامه‌ریزی کند و در اجرای برنامه‌ها مردم او را یاری کنند، برای خودشان و به خاطر فرزندان‌شان، باشد که کار مسلمین سامان گیرد و نتیجه حاصل آید. چنین همت‌هایی و چنین فعالیتهایی در دوران حاکمیت ظلم و جور و فساد و بی‌دینی رژیم گذشته که همه ابزارها در دست دشمن بود صورت می‌گرفت هرچند محدود و پراکنده، اکنون که مانع رفع شده و امکانات بیشتر میسر است، جدی‌تر و وسیع‌تر و کاملتر می‌توان تلاش کرد و همت نمود. اگرچه در حالی حاضر این‌جا و آنجا چنین همت‌هایی دیده می‌شود اما به هیچ وجه کافی نیست، باید به صورت یک حرکت و تلاش گسترده درآید.